



مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران حوزه بانکداری اسلامی

به موازات برگزاری سی و دومین همایش بانکداری اسلامی با موضوع نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی؛ مبانی نظری، تجارب جهانی و توصیه‌های سیاستی، مصاحبه‌هایی همسو با محورهای همایش با برخی از کارشناسان و صاحب نظران حوزه بانکداری اسلامی به عمل آمد. در این راستا همراه می شویم با حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سعید فراهانی فرد، عضو محترم کارگروه تخصصی شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

آقای دکتر سلام علیکم، ضمن تشکر از جناب عالی، بابت حضور در این مصاحبه تخصصی، از اینکه با ارایه نظرهای عالمانه خویش نسبت به سوالات مربوط به محورهای همایش بانکداری اسلامی، ارایه نظر فرموده و با ما همراه هستید، بسیار سپاس گزاریم.

سؤال اول: از نظر جناب عالی، ضرورت نظارت و تطبیق شرعی بر اجرای عملیات بانکداری اسلامی

چیست؟

با درود خدمت شما و همکارانتان عرض می‌کنم که: قانون بانکداری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تحت عنوان بانکداری بدون ربا در دهه‌ی ۱۳۶۰، در شرایطی به تصویب رسید که نظام بانکی در ایران به تبعیت از نظام بانکی دنیا، مبتنی بر قرض با بهره شکل گرفته بود و سال‌های زیادی این فرایند را تجربه کرده بود. با توجه به فرایند ساده‌ی قرض ربوی در سیستم بانکی متداول در دنیا و به تبع آن در ایران، و در مقابل سیستم نسبتاً پیچیده‌ی طراحی شده در بانکداری بدون ربا و انس سیستم بانکی با نظام موجود، نظام بانکی به جای اینکه خود را با قانون جدید مطابق دهد، خواسته یا ناخواسته به جهتی حرکت کرد که قانون جدید را با خودش همگام کند. این همگامی، یا از طریق آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی صورت گرفت یا از راه صوری‌سازی فعالیت‌ها انجام شد. نتیجه این شد که در بلندمدت، همان کارکرد قبلی در شکل عقود اسلامی عملیاتی شد. در جایی، افراد در بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند و تحت عنوان سود علی‌الحساب، مانند نظام بهره، سود قطعی و مشخص دریافت می‌کنند. و در جای دیگر در بخش تسهیلات نیز از تسهیلات‌گیرنده، ولو در عقود مشارکتی، سود معینی دریافت می‌شود. بازخورد این فعالیت‌ها در سطح جامعه و حتی در بین مراجع تقلید این است که نظام بانکی با قبل هیچ فرقی نکرده است. البته، این بدان معنا نیست که تمام فعالیت‌های بانک‌ها به این صورت باشد. برای مثال، تسهیلات مسکن و برخی تسهیلات دیگر مطابق قانون و به شکل واقعی انجام می‌شود. خطر انحراف از آن چیزی که تحت عنوان قانون بانکداری بدون ربا تصویب شده، این ضرورت را

ایجاد کرد که بایستی یک نهاد نظارتی وجود داشته باشد تا بتواند جلوی این انحراف را بگیرد و بکوشد آنچه در قانون بانکداری بدون ربا مد نظر قانونگذار بوده و هدف آن را که در عمل، حذف ربا بوده، جامه‌ی عمل ببوشاند و به‌نحوی از صوری شدن آن فرایند هم جلوگیری کند. به‌طوری که در سایر کشورها که دارای نظام بانکداری اسلامی هستند، این اتفاق افتاده است.

سؤال دوم: در ارتباط با موضوع همایش بانکداری اسلامی، به‌نظر حضرت‌عالی، جنبه‌ها و محورهای نظارت تطبیق شرعی چگونه است؟

کار این نهاد نظارتی را که قرار است بحث تطبیق فرایند اجرای بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی و قانون مصوب را عملیاتی کند، در چند محور می‌توان طبقه‌بندی کرد. نخست اینکه، فرایند بانکداری اسلامی، مبتنی بر شرع مقدس و فقه و در واقع فتوای فقیهان باشد که معمولاً این مسئله و این مهم را شورای نگهبان قانون اساسی انجام می‌دهد. و پس از اینکه مجلس، قانون بانکداری بدون ربا را در سال ۱۳۶۲ تصویب کرد، عملاً به‌تصویب شورای نگهبان نیز رسید و فقهای شورای نگهبان، از آن جهت که آیا این قانون مصوب، منطبق با اصول و قواعد فقه شریعت اسلامی و شرع اسلام هست یا نه، نظارت کردند. این لایه، لایه‌ی اولیه بود که به‌نوعی تطبیق اصل قانون بر فقه بود. اما در لایه‌های بعدی، می‌دانیم وقتی که وارد سیستم می‌شویم، غیر از اصل قانون، موارد دیگری هم وجود دارد که به‌نوعی اگر بر آن‌ها دقت و نظارت نشود، انطباق آن‌ها، هم در قانون مصوب و هم در فقه، ممکن است مجدداً انحرافات را پیش بیاورد که در پاسخ سؤال اول به‌آن اشاره کردم. یکی از این موارد، نظارت بر آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی است که در بانک وجود دارد. یعنی عملاً بانک‌ها برای اجرای قانون بانکداری بدون ربا، ناگزیرند دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌هایی را به‌تصویب برسانند تا بر اساس آن‌ها، کار را انجام بدهند. طبیعتاً در این آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی نیز ممکن است انحراف از قانون ایجاد بشود که یکی از محورها و جنبه‌های نظارت تطبیق شرعی، نظارت بر انطباق کامل و عدم انحراف این دستورالعمل‌ها با قانون مصوب و با فقه است.

یکی دیگر از این موارد، قراردادهاست. عقود متعددی در قانون بانکداری بدون ربا وجود دارد (برای مثال، فروش اقساطی، جعاله، مشارکت مدنی و مانند این‌ها) که از عقود مشارکتی یا در واقع عقود مبادله‌ای هستند که در مقام اجرا به‌قراردادهایی بین بانک و مشتری نیاز است که این قراردادها هم در لایه‌ی بعدی باید مبتنی بر شرع بوده و ربوی نباشند و مشکلات شرعی دیگری را به‌همراه نداشته باشند. بنابراین، یکی از جنبه‌های نظارتی، نظارت بر قراردادهاست.

مسئله‌ی بعدی، نظارت بر ابزارهای جدید است. عملاً قانون هرچقدر هم که قانون خوبی باشد، نیازمند به‌روزرسانی است. ممکن است در قانون، به‌بانک این اجازه داده شده باشد که بتواند با رعایت یک‌سری چهارچوب‌ها، از ابزارهای جدیدی هم استفاده کند. با توجه به‌اینکه کلیت ابزارهای جدید در قانون مصوب شده، بنابراین ممکن است بانک از این ابزارهای جدید در مقام اجرا استفاده کند که این ابزارهای جدید هم به‌نظارت نیاز دارند. زیرا ابزار جدیدی که برای رفع نیاز مشتریان بانک طراحی می‌شود نیز باید مطابق با شریعت مقدس اسلام باشد.

همچنین، بحث نظارت بر اجرا نیز وجود دارد که هرچند قانون درست بوده باشد و قراردادها و دستورالعمل‌ها نیز موارد را رعایت کرده باشند، ولی در مقام اجرا ممکن است با خطا مواجه شویم که احتمالاً این خطا بیشتر محل حرف و حدیث خواهد بود و بحث جلوگیری از صوری شدن قراردادها را پیش می‌آورد. یعنی ممکن است که قرارداد، شکل

درستی داشته باشد و قانون نیز درست بوده باشد، ولی در اجراء، معامله‌ی واقعی یا قرارداد حقیقی بین مشتری و بانک صورت نگرفته باشد و شکل آن در واقع غلط انجام شده باشد که این هم لایه‌ای است با محوری از نظارت آن نهاد نظارتی که عملاً باید نظارت خود را انجام دهد.

سؤال سوم: به نظر حضرت عالی، مشکلات و موانع نظارت دقیق و صحیح و راه‌حل‌های آن‌ها در این حوزه کدام است؟

بحثی که الآن در نظارت، خودمان نیز در کمیته‌ی تخصصی گاهی با آن مواجهیم، بحث تعدد فتاوی مراجع و گاهی ناسازگاری بین آن فتاوی است. با توجه به اینکه مشتریان بانک، مقلدین مراجع تقلید هستند، بالاخره نظارت هم می‌تواند این مشکل را داشته باشد. همان‌طور که قانون و قانونگذار هم ممکن است با چنین مشکلی مواجه باشد و فتاوی مراجع ممکن است متفاوت باشند. بنابراین، این مشکلی است که در مسیر نهادهای نظارتی‌ای وجود دارد که می‌خواهند نظارت کنند. در مقام عمل هم گاهی گفته می‌شود بعضی افراد یا فقها، اشکالاتی را مطرح می‌کنند. در صورتی که قانونگذار این موارد را تصویب کرده و شورای نگهبان نیز آن را به تصویب رسانده است. ولی عملاً می‌بینیم که باز هم نارضایتی‌هایی حتی در سطح مراجع وجود دارد.

راه‌حل و نظر کمیته‌ی تخصصی در موارد فقهی، خصوصاً در موارد جدیدی که پیش می‌آید، این است که نخست از بین راه‌حل‌های موجود، سعی شود راه‌حلی انتخاب شود که تقریباً با فتاوی همه‌ی مراجع سازگار باشد و فتوایی باشد که از ناحیه‌ی مرجعی، نسبت به آن مشکلی وجود نداشته باشد. این قدم و گزینه‌ی اولی است که به‌عنوان راه‌حل باید سراغ آن برویم. اما بعضی مواقع، این اقدام امکانپذیر نیست. در این صورت، فتاوی مقام معظم رهبری و رهبر فقید انقلاب -حضرت امام خمینی (ره)- ملاک تصمیم‌گیری خواهد بود. و در مرحله‌ی آخر، اگر احیاناً از ناحیه‌ی حضرت امام یا رهبر معظم، نظری وجود نداشته باشد، نظر مشهور فقها در نظر گرفته می‌شود. پس، در بحث تعدد فتاوی و ناسازگاری آن‌ها، اگر امکان راه‌حل سازگار با همه‌ی فتاوی وجود نداشت، طبقه‌بندی‌ای که عرض کردم (فتاوی حضرت امام و مقام معظم رهبری و بعد هم فتاوی مشهور فقها)، در نظر گرفته شود.

یکی دیگر از مشکلات موجود بر سر راه نظارت این است که شاید بگوییم به‌اندازه‌ی نیاز، نیروی متخصص نداریم. چون اگر نظارت را فقط در سطح شورای فقهی بانک مرکزی بدانیم، طبیعی است در آن جهت مشکل زیادی وجود ندارد. چون در این حوزه، افراد زیادی را داریم که هم فقیه و هم مسلط به اقتصاد و مباحث بانکداری هستند. حداقل بیش از ۱۰۰ نفر از دوستان هستند که هم دکترای اقتصاد دارند و هم به‌فقه مسلط هستند. بنابراین، در بحث نظارت عالی، کمتر مشکلی می‌تواند وجود داشته باشد. اما نظارت‌های بعدی، مثلاً اگر قرار باشد در شعبات اصلی یا همه‌ی شعب بانک‌ها ناظر فقهی وجود داشته باشد، عملاً می‌بینیم که تعداد زیادی افراد نیاز داریم که هم به‌فقه مسلط باشند و هم اینکه بانک را بشناسند که به‌این ترتیب، کار کمی سخت می‌شود. اما در اینگونه موارد باید چکار کرد؟ اگر قرار شد نظارت‌مان را کمی عام‌تر کنیم و نظارتی فراتر از نظارت شورای فقهی داشته باشیم، طبیعتاً باید طلبه‌هایی را که از جهت فقهی در سطح خوبی‌اند و خوب درس خوانده‌اند و به‌فقه مسلط هستند، در حد ضرورت، بانک برای آن‌ها دوره‌های آموزشی برای شناسایی بانک و قوانین و مقررات مربوط برگزار کند تا از آن‌ها برای لایه‌های میانی نظارت، استفاده شود. در لایه‌های پایین هم آموزشی که الآن برای رؤسای شعب و همچنین مسئولان اعتبارات شعب برگزار می‌شود (که البته تا حدود زیادی انجام شده است)، باید جدی‌تر گرفته شود و عملاً خود مسئول اعتبارات شعبه و رئیس شعبه تا حدودی بر اجراء مسلط باشند تا دست‌کم یکی از مواردی که به‌عنوان مشکل سوم در این مسیر قبلاً

به آن اشاره کردم و بحث صوری شدن قراردادهاست، برای ایشان پیش نیاید و عملاً این افراد که مسئول اعتبارات هستند، به نوعی عقود و راه‌حل‌های شرعی را بشناسند تا در عرصه‌ی اجرا بتوانند نظارت را انجام بدهند. توصیه‌ی من این است که به افراد موجود، آموزش لازم داده شود و افراد جدیدی هم که می‌خواهند استخدام شوند، از میان فارغ‌التحصیلان مؤسسه‌ی عالی بانکداری بانک مرکزی و نیز فارغ‌التحصیلان رشته‌های بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌ها انتخاب شوند.

سخن پایانی

ابتدا از همکاران و مسولان برگزارکننده همایش بانکداری اسلامی در مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، تشکر می‌کنم. دوم این که، یک نکته‌ی خیلی مهم که در همه‌ی نظارت‌ها وجود دارد این است که گاهی اوقات می‌توانیم از جهت شرعی، راه‌حلهایی ایجاد کنیم که ظاهراً با شرع سازگار است، ولی جلوی کارکرد نظام بهره را نمی‌گیرد. عملاً اگر بخواهم خیلی کوتاه عرض کنم، نگاه من این است که این نهاد نظارتی، خصوصاً در سطوح بالا، باید این هدف را در ذهن داشته باشد که نه تنها به دنبال راه‌حل برای موارد موجود باشیم، بلکه به دنبال راه‌حلهایی نیز باشیم که جلوی کارکرد بهره و ربا را در بانک بگیریم.